

به نام حضرت دوست

متن روان خوانی نشانه ی (ظ)

امروز برای کاظم روز خوبی نبود.

او زنگ تفریح ، در حیاط مدرسه ، با ظرف تغذیه اش بازی می کرد و آن را به این طرف و آن طرف پرتاب می کرد.

آقای ناظم او را دید و به او گفت : ((عزیزم تو باید نظم و ترتیب را در حیاط رعایت کنی و مواظب وسایلت باشی)).

اما کاظم به حرف آقای ناظم توجه نکرد و به کار خودش ادامه داد.

ناگهان ظرف تغذیه اش محکم به دیوار برخورد کرد و شکست.

کاظم خیلی غمگین شد و با ناراحتی به کلاس رفت .

زنگ آخر وقتی می خواست از آقای ناظم خدا حافظی کند، آقای

ناظم به او گفت: پسرم تو باید از وسایلت مواظبت کنی . اگر منظم

باشی هیچ وقت احساس ناراحتی نمی کنی.

کاظم به خودش قول داد از این به بعد به حرف بزرگ ترها خوب

گوش کند تا کارهایش بهتر شود.

زهرا جانی پور